

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۸۴ - ۶۵

گستره و مبانی فروتنی در عهد جدید

^۱ فاطمه حاجی اکبری

^۲ حسین حیدری

چکیده

وجه مشترک و غایت قصوای ادیان ابراهیمی شکوفایی مکارم اخلاقی است از جمله مهم‌ترین فضایل، کاستن از خودخواهی‌ها و کبرورزی‌ها و تعمیق تواضع و فروتنی در برابر کائنات و خالق آن‌هاست. چنانکه یکی از ممیزات مسیحیان از نظر قرآن کریم، خاکساری و فروتنی آنان است. از دیدگاه مسیحیان، خصلت فروتنی در قلب انسان، موجب و برآیند آرامش روحی عمیق و پایدار، عشق به خدا و مردم، شفقت برای همگان می‌شود، در حالی که غرور، جزو هفت گناهان کبیره و نقش بی‌نظیری در زنجیره علی‌گناهان دارد. بررسی تواضع در عهد جدید در این جستار نشان می‌دهد که رابطه دیالکتیکی عمیقی بین بنیادهای اعتقادی مسیحیان در زمینه‌های خداشناسی، هستی‌شناسی، مسیح‌شناسی و انسان‌شناسی با الگوهای رفتاری اخلاق مسیحی وجود دارد، این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی به گستره مصادیق و مبانی فروتنی در سه ساحت شناختی، احساسی و رفتاری در عهد جدید پرداخته و الگوی تواضع در زنجیره اخلاق مسیحی را بازبینی می‌کند.

واژگان کلیدی

الهیات اخلاقی، اخلاق مسیحی، فروتنی در عهد جدید، گناهان کبیره.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: f.hajiakbari@kub.ac.ir

۲. دانشیار گروه ادیان و فلسفه، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

Email: heydari@kashanu.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۷

طرح مسأله

تواضع، از فضائل اخلاقی مورد تاکید در ادیان ابراهیمی به شمار می‌رود. درباره تواضع تعاریف بسیار وجود دارد که در این جا مجال ذکر آنها نیست. در تعریف منتخب ما، تواضع یعنی خود را دیگری انگاشتن و به خود به چشم بیگانه نگرستن، مثل وقتی که انسان جایزه ای می‌گیرد تصور کند که دیگری گرفته است و همچنین خوبی‌های دیگری را خوبی‌های خود انگارد. از فضایل زیر شاخه تواضع نیز خوشرویی، سخاوت و عدل را می‌توان نام برد.^۱ در نگاه مسیحی تواضع از مصادیق حکمت نیز به شمار می‌رود: «کیست حکیم و خردمند در میان شما؟ پس اعمال خود را از سیرت نیکو به تواضع حکمت ظاهر بسازد.» (یعقوب ۳: ۱۳)

در ادبیات مسیحیان تواضع توفیق خاص شخص مسیح و در پی آن اشخاص مسیحی است. «با اینکه از همه کس آزاد بودم خود را غلام همه گردانیدم تا بسیاری را سود برم.» (اول قرنیتیان ۹: ۱۹) بنا بر آنچه در انجیل متی آمده است تمام آنانیکه می‌خواهند شباهت به مسیح پیدا کنند می‌بایست تحصیل تواضع کنند. (متی: ۱۱: ۲۸-۲۹). از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده دل می‌باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت.» (متی ۱۱: ۲۹) از آنجایی که فروتنی از ویژگی‌های مسیح است، پس، همراه با فروتنی، خود او در روح یک مسیحی ساکن می‌شود، یا تنها زمانی که مسیح در آن تصویر شود، فروتنی در روح حاکم خواهد شد. تا مسیح در شما شکل بگیرد. (غلاطیان ۴: ۱۹) فروتنی مسیح که ما را با خود تهی سازی اش نجات می‌دهد و شاگردانش را به خدمت کردن به برادرانشان در محبت دعوت می‌کند (لوقا ۲۲: ۲۶-۲۷) تا خدا در همه آنها جلال یابد (۱- پطرس ۴: ۱۰-۱۱) «خداوند به همه ما دستور داد که خدمتگزار باشیم، خود را در برابر همه فروتن کنیم.» (متی ۲۰: ۲۶). با کمال فروتنی و تواضع و حلم و متحمل یکدیگر در

۱. در بحث مولفه‌های بنیادین زیست اخلاقی، سه فضیلت اصلی در نگاه ملکیان عبارت است از:

صداقت: یعنی انطباق ساحت درونی عقیدتی، احساسی و ارادی با ساحت بیرونی گفتاری و کرداری؛ که فرق م کند با راست گویی که تنها شامل انطباق ساحت درونی با ساحت گفتاری است. از فضایل زیر شاخه صداقت می‌توان راستگویی، وفای به عهد و اخلاص را نام برد.

تواضع: یعنی خود را دیگری انگاشتن و به خود به چشم بیگانه نگرستن، مثل وقتی که انسان جایزه ای می‌گیرد. احسان: یعنی دیگری را خود انگاشتن و به دیگری به چشم خود نگرستن و مثلاً همانطور که به سرعت در پی رفع درد و رنج از خود بر می‌آید نسبت به رفع درد و رنج دیگران نیز برآید و همچنین بدی‌های دیگری را بدیهی‌های خود انگارد. البته احسان سه سطح دارد که سطح اول آن درد و رنج غیر لازم بر دیگری وارد نکردن است. سطح دوم این است که درد و رنج غیر لازمی که به دیگری وارد شده را برطرف کنیم. سطح سوم نیز عبارت است از ایجاد لذت در دیگری. برخی از فضایل زیر شاخه احسان عبارتند از: همدلی و همدردی، جود و بخشش، حلم و

محبت باشید(افسیان ۴: ۲). در قرآن نیز در حالی که مسئولیت اخلاقی متوجه فرد است، ماهیت مسئولیت های اخلاقی او عمدتاً تحت تاثیر گروهی است که پیرو آن است.(دایره المعارف قرآن، ج ۱، ۱۴۸).

قرآن کریم نیز اشارات ستایش آمیزی در توصیف اخلاق فروتنانه مسیحیان دارد: مسیحیان مشمول الطاف الهی هستند(بقره / ۶۲) پیروان حضرت عیسی بر کافران برتری دارند(آل عمران / ۵۵) مسیحیان در برابر پروردگار مومن و خاشع هستند(ال عمران / ۱۹۹) مسیحیان امت میانه رو هستند(مائده / ۶۵-۶۶) مسیحیان در مدار دوستی با مومنان بدون تکبرند(مائده / ۸۲) رافت و رحمت در دل پیروان مسیح است (حدید/ ۲۷) نصاری در قرآن کبر نمی ورزند(سوره مائده / ۸۲). (نگ: ۱) این پژوهش سعی دارد با روش توصیفی و تحلیلی با هدف گفت‌وگوی میان ادیان، و صرفاً بر اساس متن کتاب عهد جدید، مبانی و ابعاد تواضع و فروتنی مسیحیان را در سه ساحت شناختی، عاطفی و رفتاری بررسی کند. البته نویسندگان منکر تاثیر عوامل و مولفه های غیر دینی مانند شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و.. در جوامع نیستند ولی در این جستار صرفاً به مبانی الاهیاتی موضوع اکتفا کرده اند. بر این اساس این پژوهش بر آن است به پرسش های فوق پاسخ دهد: مبانی فروتنی در عهد جدید چیست؟ در زنجیره علی اخلاقی مسیحی تواضع چه جایگاهی دارد؟

بر اساس جست و جوی صورت گرفته، پژوهشی اعم از کتاب، مقاله یا پایان نامه که به بررسی مبانی تواضع و فروتنی بطور خاص در عهد جدید بپردازد، یافت نشد، اما پژوهش هایی بصورت کلی درباره اخلاق مسیحیان وجود دارد که عبارتند از: خاستگاه اخلاق مسیحی در عهد جدید(سمیه عمادی، ۱۳۹۴، معرفت ادیان)، بررسی فضایل و ردایل پایه در اخلاق مسیحیت (سید احمد فاضل و فاطمه شیخی، ۱۴۰۰، مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه)، نگاهی بر مبانی و آموزه های اخلاق مسیحیت(جعفر شانظری وفائزه زارعیان، ۱۳۹۰، اخلاق) نوآوری تحقیق پیش رو نسبت به سایر آثار موجود از این جهت است که بطور خاص بنیادهای فروتنی را در عهد جدید کاویده و صورت بندی مفهومی هر یک از مبانی و مصداق های فروتنی در این کتاب را ارائه کرده است و ارتباط میان این مبانی و الگوهای رفتاری مسیحیان را برجسته نموده است.

۱. به گفته استاد مطهری: «شما اگر به همین مسیحیت تحریف شده نگاه کنید و بروید در دهات و شهرها، آیا هر کشیشی را که میبینید آدم فاسد و کثیفی است؟ و الله میان همینها صدی هفتاد هشتادشان مردمی هستند با یک احساس ایمانی و تقوا و خلوص که به نام مسیح و مریم چقدر راستی و تقوا و پاکی به مردم داده اند تقصیری هم ندارند؛ آنها به بهشت می روند کشیش آنها هم به بهشت می رود پس حساب روحانیت حاکم فاسد مسیحی و پاپها را باید از اکثریت مبلغین و پیروان مسیح جدا کرد.»(مطهری، نبرد حق و باطل، بی تا، ص ۴۶. همچنین نگ: مقاله حاجی اکبری، فاطمه ودیگران، سیمای ایجابی مسیحیان در قرآن).

مبانی شناختی

۱. الگوهای تواضع و قناعت در طبیعت

از جمله اشاره‌های مستقیم به الگوهای تواضع در عهد جدید اشاره به برخی پرندگان و گیاهان است که با وجود توانایی‌های کمتر از انسان به گونه‌ای زیست می‌کنند که نگرانی از فردا ندارند: «جان از خوراک و بدن از پوشاک بهتر است. کلاغان را ملاحظه کنید که نه زارعت می‌کنند و نه حصاد و نه گنجی و نه انباری دارند و خدا آنها را می‌پروراند. آیا شما به چند مرتبه از مرغان بهتر نیستند؟ و کیست از شما که بتواند ذراعی بر قامت خود افزایش دهد. پس هر گاه توانایی کوچکترین کاری ندارید چرا برای مابقی می‌اندیشید. سوسنهای چمن را بنگرید چگونه نمو می‌کنند و حال آنکه نه زحمت می‌کشند و نه می‌ریسند اما به شما می‌گویم که سلیمان با همه جلالش مثل یکی از اینها پوشیده نبود. پس هر گاه علفی را که امروز در صحرا است و فردا در تنور افکنده می‌شود چنین می‌پوشاند، چقدر بیشتر شما را ای سست ایمانان. پس شما طالب ماباشید که چه بخورید و یا چه بیاشامید و مضطرب مشوید.» (انجیل لوقا ۱۲: ۲۳ تا ۲۹)

۲. انسانها گناهکارند

طبق گزاره‌های عهد جدید تمامی انسانها بنا بر طبیعت خود گناهکارند (رومیان ۳: ۱۰-۱۲) نخستین زن و مرد مرتکب گناه شده‌اند (پیدایش ۳: ۱-۶) و از آن زمان تا کنون هر مرد، زن و کودکی مرتکب گناه شده است. (رومیان: ۳: ۲۳) و در جای دیگر مشابه همین عبارت آمده است: «همه انسانها گناهکار آفریده شده‌اند.» (اشعیا ۶: ۳-۵) (لوقا ۵: ۸) اصلاح این خطاکاری جز با فروتنی میسر نیست: «اما ای برادران اگر کسی به خطایی گرفتار شود شما که روحانی هستید چنین شخصی را به روح تواضع اصلاح کنید.» (رساله پولس به قرنتیان ۶: ۱) در حقیقت خود را گناهکار شمردن و خدمتگزار همه بودن از آموزه‌های اساسی در عهد جدید است.

در داستان زنی که متهم به زناکاری شده بود و مردم از عیسی خواستند همانند شریعت موسی آن زنا را سنگسار کنند عیسی سر به زیر افکنده با انگشت خود می‌نوشت. اما چون مردم همچنان از وی سوال می‌کردند به ایشان گفت: «از میان شما هر آن کس که بی‌گناه است نخستین سنگ را به او بزند» و باز سر خویش را به زیر افکند با شنیدن این سخن یکایک از بزرگ‌ترین آنجا را ترک گفته و عیسی تنها به جا ماند. عیسی به زن گفت: من هم تو را محکوم نمی‌کنم، برو و دیگر گناه مکن. (یوحنا ۸: ۲)

۳. بنی آدم اعضای یک پیکرند/ یکدیگرند

استاد ملکیان سه فضیلت را به عنوان مولفه‌های زیست اخلاقی معرفی می‌کند: صداقت، تواضع و احسان. در مقابل این فضایل سه گانه ردائیل سه گانه تزویر، عجب و ظلم قرار خواهد

گرفت. طبق تعریف ایشان تواضع یعنی خود را دیگری انگاشتن و به خود به چشم بیگانه نگریستن، مثل وقتی که انسان جایزه ای می‌گیرد تصور کند که دیگری گرفته است و همچنین خوبی های دیگری را خوبی های خود انگارد. از فضایل زیر شاخه تواضع نیز خوشرویی، سخاوت و عدل را می‌توان نام برد. (<https://ethicshouse.ir/>)

از مسیح نقل شده «آنچه خواهید که مردم به شما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید». (متی ۷: ۱۲؛ لوقا ۶: ۳۱) بسیاری از مسیحیان بر این عقیده‌اند که یک ایمان دار در هیچ شرایطی نباید در مقابل اشخاصی که مرتکب اعمال شرارت آمیز می‌شوند از روز؟ استفاده کند. عیسی از پیروانش خواسته تا از او پیروی کنند (مرقس ۸: ۳۴-۳۵) و در زندگی اش نشان داد که چگونه می‌توان خدمتگزاری فروتن بود (مرقس ۱۰: ۴۲-۴۵)

در رساله اول پولس به قرتیان آمده است (باب ۱۲، فقره ۱۲ تا آخر): زیرا چنان که بدن یکی است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگر چه بسیار است یک تن می‌باشد هم چنین است مسیح نیز.. خدا بدن را با هم مرتب ساخت به قسمی که ناقص را بیشتر حرمت داد تا آن که جدایی در بدن نباشد بلکه اعضا... در فکر یکدیگرند باشند و اگر یک عضو، دردمند می‌گردد سایر اعضا با آن همدرد می‌باشند.

در رساله پولس به افسوسیان آمده است: (باب ۴، فقره ۲۵) «لهذا دروغ را ترک کرده هر کس با همسایه خود، راست بگوید، زیرا که ما اعضای یکدیگریم».

در بخش دیگری عهد جدید آمده است: «هر یک از شما را می‌گویم که خود را بیش از آنچه می‌باید مپندارید بلکه هر یک به فراخور میزان ایمانی که خداوند به شما بخشیده است واقع بینانه درباره خود قضاوت کنید زیرا همان گونه که هر یک از ما را بدنی واحد است که از اعضای بسیار تشکیل شده و کار همه اعضا یکسان نیست ما نیز بسیاریم در مسیح یک بدن را تشکیل می‌دهیم و هر یک اعضای یکدیگریم بر حسب فیضی که به ما بخشیده شده است دارای اعطاهای گوناگونیم» (رومیان ۱۲: ۳-۸ ترجمه از هزاره نو)

محتوای اعلامیه حقوق بشر نیز بر این است که همه انسانها آزاد هستند و با هم برابر بوده و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد چنانکه در ماده ۱ آمده: «تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند...». مصداق های این ماده در عهد جدید نیز آمده: متی باب ۱۰: «۲۴ شاگرد از معلم خود افضل نیست و نه غلام از آقایش برتر» غلاطیان باب ۳: «۲۸ هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می‌باشید». انجیل متی باب ۱۲: «۵۰ زیرا هر که اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد، همان برادر و خواهر و مادر من است». انجیل متی باب ۱۱ نیز علیه امتیازات نژادی و برادری همه ملل و قبائل است: «۲۸ بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و

گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید» .

مرقس باب ۳: «۳۱ برادران و مادر او آمدند و بیرون ایستاده، فرستادند تا او را طلب کنند. ۳۲ آنگاه جماعت گرد او نشسته بودند و به وی گفتند: «اینک مادرت و برادرانت بیرون تو را می طلبند.» ۳۳ در جواب ایشان گفت: «کیست مادر من و برادرانم کیانند؟» ۳۴ پس بر آنانی که گرد وی نشسته بودند، نظر افکنده گفت: «اینانند مادر و برادرانم، ۳۵ زیرا هر که اراده خدا را بجا آورد همان برادر و خواهر و مادر من باشد». در این سخن بین پیروان اعتقادهای دینی و بی دینی تفاوت قائل شده و عیسی «ع» هر کس را که امر خدا را به جا بیاورد جزء خویشاوندان خود می داند اما متن اعلامیه بین پیروان اعتقادهای دینی و بی دینی هیچ تفاوتی قائل نیست و همه را با هم برابر می داند و هیچ امتیازی برای دینداران در نظر نمی گیرد و حتی در ماده دو، دین را عامل تبعیض می داند.

در مرقس باب ۱۲ و یوحنا باب ۱۵ به رفتار محبت آمیز با هموعان تاکید شده است. و در قسمت دیگر عهد جدید به رفتار انسانی با بردگان سفارش شده است (متی ۲: ۲۰، لوقا ۲: ۷).

۴. همه از آن خداوندیم

هیچیک از ما برای خود زندگی نمی کنیم و هیچیک از ما برای خود نمی میریم. اگر زندگی می کنیم برای خداوند است، و اگر می میریم آن نیز برای خداوند است. پس خواه زندگی کنیم، خواه بمیریم از آن خداوندیم. پس چرا تو برادر خود را محکوم می کنی؟ و تو چرا به برادر خود به دیده تحقیر می نگری؟ زیرا همه ما در برابر مسند داوری خدا حاضر خواهیم شد، پس هر یک از ما حساب خود را به خدا باز خواهد داد. بنابراین بیاید از این پس یکدیگر را محکوم نکنیم به جای آن تصمیم بگیرید که هیچ سنگ لغزش یا مانعی در راه برادر خود مگذارید (رومیان ۱۴: ۸-۱۴ ترجمه هزاره نو)

۵. مرگ اندیشی و تواضع

در تعالیم مسیحیان هدف مرگ عیسی این بود که آنها حیات ابدی پیدا کرده و در دنیا زیست کنند. هنگامی که هنوز گناهکار بودیم مسیح برای ما مرد (رومیان، ۵: ۸) او آمد تا جان خود را فدای بسیاری کند. (مرقس ۱۰: ۴۵) تعلیم عیسی در نقطه مقابل تعلیم دنیا است. افراد دنیوی در جستجوی عزت و اکرام خود هستند. عیسی می فرماید که ایشان پست و سرافکنده خواهند شد. لیکن کسانی که از گناهشان توبه کرده در این دنیا فروتن سازند در آسمان عزت و تکریم خواهند یافت. (متی ۵: ۵؛ مرقس ۹: ۳۵؛ اول پطرس ۵: ۵-۶)

در عهد جدید در چندین مورد درباره معاد سخن گفته شده که عبارتند از: متی. باب ۲۵ «اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست، ۳۲ و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند، به

قسمی کہ شبان می‌شہا را از بزہا جدا می‌کند».

متی باب ۲۲: «اما درباره قیامت مردگان، آیانخواندہ‌اید کلامی را کہ خدا بہ شماگفتہ است».

اعمال. باب ۳: «۲۱ می‌باید آسمان او را پذیرد تا زمان معادِ ہمہ چیز کہ خدا از بدو عالم بہ زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود»..

متی باب ۱۲: «۳۶ لیکن بہ شما می‌گویم کہ ہر سخن باطل کہ مردم گویند، حساب آن را در روز داوری خواہند داد».

عبرانیان باب ۱۱: «۳۵ زنان، مردگان خود را بہ قیامتی باز یافتند، لکن دیگران معذب شدند و خلاصی را قبول نکردند تا بہ قیامت نیکوتر برسند»..

۶. سیطرہ تقدیر بر ہمگان

بہ همان شکل کہ انسان با تلاش و عمل خود نمی‌تواند بہ نجات و رستگاری دست یابد با تلاش و کارہای نیک خود نیز قادر بہ حفظ آن نیست (غلاطیان ۳:۳) پولس رسول گوید کہ خدا ما را پیش از بنیاد عالم برگزید (افسیسیان ۱: ۴) و نیز می‌گوید کہ خدا ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسر خواندہ شویم (افسیسیان ۱: ۵ و ۱۱) انتخاب ما مطابق پیش دانی خدا است (رومیان ۸: ۲۹-۳۰) ہر کہ را می‌خواہد رحم می‌کند و ہر کہ را می‌خواہد سنگدل می‌سازد (رومیان ۹: ۲۲-۲۳) فقط کسانی را کہ برگزیدہ است قادر می‌سازد تا توبہ کنند (دوم تیموتائوس ۲: ۲۵) و ایمان آورند (فیلیپیان ۱: ۲۹) برگزیدگان خود حق انتخابی ندارند. . شخص مومن این حقیقت را لمس می‌کند کہ ہمہ چیز را خدا بہ او دادہ (اول قرنیان ۴: ۷) خادم بی منفعت (لوقا ۱۷: ۱۰) است و بہ خودی خود چیزی نیست (غلاط ۶: ۳) خدا این شخص فروتن را جلال خواہد داد (۱ سموئیل ۲: ۷-۸).

کسی را کہ ایمانش ضعیف است بپذیرید بی آنکہ درباره مسائل مورد تردید حکم صادر کنید... ان کہ ہمہ چیز می‌خورد نباید بہ آن کہ نمی‌خورد بہ دیدہ تحقیر بنگرد و آن کہ ہمہ چیز نمی‌خورد نباید آن کس را کہ ہر غذایی می‌خورد محکوم کند زیرا خداوند او را پذیرفتہ است. تو کیستی کہ بر خدمتکار شخصی دیگر حکم می‌کنی؟ استوار ماندن یا فرو افتادن او بہ آقائش مربوط است او استوار ہم خواہد ماند زیرا خداوند قادر است او را استوار گرداند. (رومیان ۱۴: ۱-۵ ترجمہ ہزارہ نو).

بہ تعبیر مولوی (مثنوی، ۱۵، ۶۳۰-۶۳۴) فرد کاملاً مجبور، نہ در درون بہ برتری خود باور دارد و نہ در برون خود را در موضع تکبر می‌نشانند. اثر اعتقاد بہ جبرگرایی باید مانع سرہنگی و خودستایی افراد شود:

گر ز جبرش آگہی زاریت کو بینش زنجیر جباریت کو؟

بسته در زنجیر چون شادی کند
 کی اسیر حبس آزادی کند
 ورتو می بینی که پایت بسته اند
 بر توسرهنگان شه بنشسته اند
 پس توسرهنگی مکن باعجازان
 زانک نبودطبع و خوی عاجزان
 چون تو جبر او نمی بینی مگو
 ورتو همی بینی نشان دید کو؟

مبانی عاطفی

۱. فیض و محبت خداوند به آدمیان

فیض به معنی محبت و رحمت خدا نسبت به انسان است. خدا فیض خود را به رایگان به انسانها می‌بخشد. انسانها شایسته این نیستند که محبت و رحمت خدا را دریافت کنند زیرا گناهکارند. اما با وجود این که انسان سزاوار دریافت محبت خدا نیست، خدا همچنان انسان را محبت می‌کند. در حالی که انسانها گناهکار و دشمن خدا بودند، خدا فرزند خود عیسی را فرستاد تا انسانها را نجات دهد (رومان ۵: ۸) به خاطر فیض خداست که انسانها از نجات بهره مند می‌شوند (افسیان ۲: ۸) به فیض خداست که مسیحیان زندگی خود را ادامه می‌دهند. تمامی برکات اعم از مادی و روحانی از فیض خداوند است. خداوند به خاطر فیض خود عیسی را فرستاد تا مسیحیان را نجات دهد و مقدس سازد. به خاطر این فیض الهی ایمانداران به مسیح تا باید با خدا زندگی خواهند کرد.

در غلاطیان ۳: ۲۸ پولس به روشنی می‌گوید: «زنان و مردان در مسیح عیسی یک هستند. همه گناهکاریم و به فیض خدا نیاز داریم.»^۱

۲. فروتنی لازمه ایمان به خدا

در فهرست ثمرات، روح فروتنی و ایمان هم ردیف هم قرار گرفته اند. این دو نگرش واقعا به هم متصل شده‌اند و هر دو آغازی برای شناخت خدا و توکل محض به کلام و فیض او هستند. «ثمره محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است.» (غلاطیان ۵: ۲۲)

در راس همه متکبران فرد مغرور و متکبری است که خود را به هیچ چیز و هیچ کس

۱. با توجه به جایگاه خاص روح القدس در مسیحیت، حافظ گوید:

فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

(حافظ، غزل ۱۴۳)

همچنین به تعبیر حافظ:

در آستان جانان از آسمان میندیش کز اوچ سربلندی، افتی به خاک پستی

(حافظ، غزل شماره ۴۳۴)

متکی نمی‌داند و می‌خواهد با خدا برابر باشد(پیدایش ۳: ۵؛ یوحنا ۵: ۱۸) و به خادمین خدا و وعده‌های او می‌خندد(پطرس ۳: ۳-۴)

۳. عشای ربانی و حس اتحاد با مسیح

از میان پیامبران، رفتار فروتنانه عیسی مسیح نسبت به شاگردان و دیگر آدمیان در گزارش اناجیل، بسیار متواضعانه است به گونه‌ای که برخی بر این شیوه خرده گرفته‌اند. ذکر موارد رفتار ایشان مجال و مقاله‌ای دیگر می‌طلبد ولی به هر روی، اسوه رفتاری ایشان همواره سرمشق اصلی ایمانداران مسیحی بوده و یادآوری و اجرای آیین عشای ربانی و پاشویی مجرمان از سوی پاپ‌ها نمونه‌های بین این آیین تربیتی و اثرگذاری آنها هستند.

تعمید و عشای ربانی از مهمترین آیین‌های مقدس‌اند. پالاماس می‌گوید: «نجات به این دو بستگی دارد: در تعمید، روح القدس طبیعت انسانی را بازرایی و احیا می‌کند، انسان را در صورت تطهیر می‌کند و به او که در هبوط از دست رفته بود قدرت می‌بخشد تا به شباهت خدا برسد. در حالی که تعمید صورت انسان را تهذیب می‌کند، عشای ربانی موجب تحقق شباهت الهی او می‌شود. انسان با اجرای عشای ربانی، اتحاد آیینی با مسیح، به اتحاد حقیقی با فیض و قوای خداگونگی می‌رسد»(محمدزاده، ۱۳۸۸، ص ۸۳)

در آیین عشای ربانی کلیسای کاتولیک، نان و شراب که به واسطهٔ قدیسان و کشیشان تقدیس و متبرک می‌شود، در مقام بدن و خون واقعی مسیح در نظر گرفته می‌شود. با این استحاله (تبدیل جسمی به جسم دیگر)، عناصری هم چون نان و شراب ماهیت واقعی خود را از دست می‌دهند، زیرا این عناصر با توجه به الاهیات کاتولیک، به معنای واقعی کلمه به عنصر دیگری تبدیل می‌شوند. از منظر مسیحیت ارتدوکس، عشای ربانی تنها «یکی از اسرار هفتگانه» نیست، بلکه یکی از مسائل اساسی ایمان و شعائر عبادی مسیحیت است (هوشنگی، ۱۳۹۲، ص ۹۹) آنچه در آیین عشای ربانی قابل توجه است پایین آوردن تعالی عیسی مسیح و ایجاد احساس اتحاد با مسیح در مسیحیان است. مسیحیان بر این امر اقرار دارند که با نگریستن بر شمایل عیسی، اغلب اوقات مصائب و سختی‌های حضرت عیسی در آخرین روزهای عمرش برای ایشان تداعی می‌شود و با عبادت و خضوع در برابر این شمایل‌های مقدس، موجب آمرزیدگی و نجات ایشان می‌گردد. (هوشنگی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵)

در زمان عیسی مسیح، شستن پای مهمانان در مشرق معمولاً توسط کوچکترین خادمان انجام می‌شد و اگر در رفتار شاگردان واقعی مسیح - مقدسین و زاهدان تامل شود می‌بینیم همه آنها سعی کردند به دیگران اجازه ندهند به خودشان خدمت کنند و سعی کردند در تمام کارهای خانه به خود خدمت کنند. حضرت عیسی(ع) با شستن پای حواریون خود، به آنان درس تواضع و خاکساری داد و از آنان خواست در برخورد با مردم اینگونه رفتار کنند و آنان را به سوی خود

جذب کنند.

۴. محبت نسبت به خود، طبیعت، دیگران، خداوند

در نظرگاه عیسویان خدا واجد محبت نیست، بلکه خدا محبت است، به این ترتیب گوهر شریعت و دین محبت است: «اگر به همه زبان‌های آدمیان و فرشتگان سخن گویم ولی محبت نداشته باشم زنگی پر صدا و سنجی پرهیایو بیش نیستم. اگر قدرت نبوت داشته باشم... و چنین ایمانی داشته باشم که بتوانم کوهها را جا به جا کنم اما محبت نداشته باشم هیچم. اگر همه دارایی‌های خود را بین فقیران تقسیم کنم و تن به شعله‌های آتش بسپارم اما محبت نداشته باشم هیچ سود نمی‌برم. محبت بردبار و مهربان است، محبت حسد نمی‌برد؛ محبت فخر نمی‌فروشد و کبر و غرور ندارد. رفتار ناشایسته ندارد و نفع خود را نمی‌جوید؛ به آسانی خشمگین نمی‌شود و کینه به دل نمی‌گیرد. محبت از بدی مسرور نمی‌شود اما با حقیقت شادی می‌کند. محبت با همه چیز مدارا می‌کند، همواره ایمان دارد همیشه امیدوار است و در همه حال پایداری می‌کند.» (اول قرن‌تین ۱۳: ۱-۸ هزاره نو)

۵. محبت و احسان در برابر بدان و نیکان

چنان که گفته اند، احسان سه سطح دارد که سطح اول آن درد و رنج غیر لازم بر دیگری وارد نکردن است. سطح دوم این که درد و رنج غیر لازمی که به دیگری وارد شده را برطرف کردن، سطح سوم نیز عبارت است از ایجاد لذت در دیگری (ملکیان). در انجیل گزاره‌های فراوانی در خصوص توصیه به همدلی و صبر و حلم یافت می‌شود:

«همه‌ی شما یک رای و همدرد و برادر دوست و مشفق و فروتن باشید و بدی به عوض بدی و دشنام به عوض دشنام مدهید بلکه برعکس برکت طلبید زیرا می‌دانید برای این خواننده شده‌اید تا وارث برکت شوید.» (رساله اول پطرس رسول: ۳: ۸-۹)

اگر از کسی سیلی خوردیم نباید با او نزاع کنیم و انتقام بگیریم بلکه باید با برگرداندن روی دیگر خود محبت خود را به او نشان دهیم. (متی ۵: ۳۸-۴۱) باید به هر کسی چیزی از ما درخواست کرد به او کمک کنیم (متی ۵: ۴۲) حتی اگر این شخص دشمن ما باشد. (لوقا ۶: ۳۵) عیسی مسیح به پیروان خویش تعلیم داده برای کسانی که بر آنها جفا می‌کنند برکت طلبیده و ایشان را لعن نکنید (رومیان ۱۲: ۱۴)

تجلیات رفتاری فروتنی

۱. شکسته نفسی

شکسته نفسی و کوچک شمردن فرد نسبت به دیگران از جمله آموزه‌هایی است که در انجیل بدان توصیه شده است:

خود را داناتر از دیگران مپندارید و با طبقات محروم معاشرت کنید. (مفهوم بند) (رساله به رومیان ۱۲: ۱۶)

در انجیل متی نیز آمده است: «هر که از شما بزرگ تر باشد خادم شما باشد.» (متی ۲۳: ۱۱) «زیرا هر که خود را بلند کند پست گردد و هر که خود را فروتن سازد سرفراز گردد.» (متی ۲۳: ۱۲)

بلندی از او یافت کو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد

(سعدی، ۲۶۴)

۲. ملامتی گری و قلندری

یکی از اتهامات عیسی مسیح این بود که به روحانیون یهودی اعم از فریسی و صدوقی روی خوش نشان نمی داد و برعکس، حواریون خود را از اشخاص وجیه المله برنگزید و حتی به زنی بدکار (مریم مجدلیه) بیش از مقامات دینی روی خوش نشان داد. همچنین به ظاهر شریعت مانند رعایت مهمترین حکم یهودیان (سبت) پایبند نبود و گویا در معرض اتهام بودن و در جفا خوش بود: «عیسی همچنین به ما تعلیم داد که به عنوان مسیحی چگونه در برابر جفا واکنش نشان دهیم. او گفت ترسان نباشیم (متی ۱۰: ۲۶) بلکه شادی نماییم (متی ۵: ۱۰-۱۲) پولس رسول گوید که او به هنگام جفا شادی کند زیرا در این حالت است که می تواند از فیض خدا بهره مند شود، فیضی که همواره او را کافی است تا او قادر گردد همه چیز را متحمل شود. (دوم قرنتیان ۱۲: ۷-۱۰)

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافرست رنجیدن

(حافظ، غزل ۳۹۳)

خداوند ما عیسای مسیح به ما تعلیم داده که برای کسانی که بر ما جفا می کنند، برکت بطلبیم و لعن نکنیم (رومیان ۱۲: ۱۴) و آنان را محبت کرده برایشان دعای خیر نماییم (متی ۵:

۴۴)

پیامدهای این جهانی و آن سوی فروتنی

۱. خوشا به حال حلیمان

جهان می‌گوید اگر می‌خواهید ثروتمند شوید پول، قدرت و شهرت به دست آورید، قوی و مغرور باشید. خود را جلو بیندازید. اما تعالیم عیسی بر خلاف آن می‌گوید: حلیم باشید. فقط شخص حلیم است که وارث زمین خواهد شد. اولین عبارت خوشا به حال در انجیل یعنی مسکین در روح بودن به معنی فروتن بودن در برابر خدا است. دومین خوشا به حال مخصوص ماتمیان که تسلی می‌یابند و سومین خوشا به حال یعنی حلیم بودن در برابر انسان هاست. (متی: ۵: ۳-۸) که کار بسیار مشکلی است. اگر همسایه ما، ما را گناهکار بخواند، پذیرفتن بسیار دشوار است. عیسی برای پیروان خویش سرمشق حلم است، او گفت: از من تعلم یابید زیرا که حلیم و افتاده دل می‌باشم (متی: ۲۹: ۱۱) این حلم و افتاده دل بودن خصلتی طبیعی نمی‌باشد، بلکه خصلتی است روحانی تنها می‌تواند از روح القدس ناشی شود. تنها هنگامیکه از روح از سر نو متولد شویم می‌توانیم صاحب حلم واقعی گردیم. (یوحنا ۳: ۵، ۳) برخی گمان می‌کنند که حلیم بودن به معنای ضعیف بودن است در حالیکه فرد حلیم از لحاظ روحانی در خداوند قوی است.

خوشا به حال حلیمان زیرا که وارث زمین خواهند شد. پولس همین حقیقت را در نظر داشت وقتی که گفت: محزون ولی دائماً شادمان، فقیر و اینک بسیاری را دولت‌مند می‌سازیم؛ چون بی چیز، اما مالک همه چیز (دوم قرنتیان ۶: ۱۰) اگر فرزندان خدا هستیم در این صورت وارثان خدا و هم ارث با مسیح (رومیان ۸: ۱۷) کدام زمین را حلیمان به ارث خواهند برد؟ زمین نوین در ملکوت آسمان (مکاشفه ۲۱: ۱-۴) این زمین کنونی و تمامی مردم متکبر آن که با خواسته خدا مخالفت می‌ورزند، از میان خواهند رفت (اول یوحنا ۲: ۱۷) تنها به حلیمان اجازه داده خواهد شد که زمین نوین در ملکوت آسمان را به ارث می‌برند (مزمور ۳۷: ۱۰ و ۱۱) زیرا هر که خود را بلند کند، پست گردد و هر که خود را فروتن سازد، سرفراز گردد (متی ۲۳: ۱۱)

سخن پولس در باب وراثت زمین در ملکوت آسمانی اشاره به نوید مزامیر در خطاب به یهودیان دارد. از منظر یهودیان، خداوند به عنوان پادشاه تمامی زمین، بنی اسرائیل را انتخاب کرد تا قوم خدمتگزار او و وارث او در میان امت‌ها باشند. او آنان را با اعمال عظیم خود از دست قدرت‌های دنیوی نجات داده و قلمرویی از امت‌ها گرفته به ملکیت ایشان بخشید (محمدیان، ۱۳۸۱، ۱۹۷). باب‌های ۲۸ و ۲۹ در مزمور ۳۷ از نویدبخش‌ترین فقرات کتاب مقدس است: «زیرا خداوند انصاف را دوست می‌دارد و مقدسان خود را ترک نخواهد فرمود. ایشان محفوظ خواهند بود تا ابدآباد. و اما نسل شریر منقطع خواهد شد. * صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود». همین نوید را با لحن قبول قرآن کریم تصریح دارد، در عین حال فی‌الجمله اصالت تاریخی فی‌الجمله آن را تصدیق می‌کند: «وَأَقْدُ

كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵) یعنی: «و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد». البته مسیحیان نیز بر این باورند که در آخرالزمان ملکوت آسمانی بر این کره خاکی نیز برقرار خواهد شد. در هر دو حالت، عیسی تاکید می‌کند که روش فروتنی بهتر است و انسان را به سربلندی و پیشرفت واقعی مبذول می‌دارد. این حلیمان هستند که در نهایت وارث زمین خواهند شد. (متی ۵: ۵) (راهنمای کتاب مقدس، ۵۴۴)

۲. جلال و فهم ملکوت ویژه فروتنان

در انجیل نیز ارتباط میان فهم ملکوت با فروتنان این گونه طرح شده است که ملکوت یک حقیقت پنهان است و فقط مسیح است که توانسته است آن را آشکار نماید و فقط متواضعان و کسانی که همچون کودکان ساده دل بودند، آن را می‌فهمیدند (متی ۱۱: ۲۵). «خداوند شخص فروتن را جلال خواهد داد». (سموئیل ۲: ۷-۸ و امثال ۱۵: ۳۳). بزرگی و پادشاهی در ملکوت از نگاه عیسی به کسانی تعلق دارد همچون کودکان اند (متی، ۱۹: ۱۳-۱۵)

شاگردان نزد عیسی آمده گفتند: چه کس در ملکوت بزرگ تر است؟ آنگاه عیسی طفلی را طلب نموده در میان ایشان بر پا داشت و گفت هر آینه به شما می‌گویم تا بازگشت نکنید و مثل طفل کوچک نشوید هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهید شد. پس هر که مثل این بچه کوچک خود را فروتن سازد، همان در ملکوت آسمان بزرگ تر است. (متی: ۱۸: ۱-۴)

در میراث اسلامی همین مضمون دیده می‌شود از جمله غزالی در تفسیر ایه ۱۴۶ اعراف «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّسُلِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا..» به زودی کسانی را که در زمین، بناحق تکبر می‌ورزند، از آیاتم رویگردان سازم [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند، بدان ایمان نیاورند، و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند می‌نویسد: فهم قرآن را به زودی از دل‌های متکبران زمین بر می‌دارم و در برخی از تفاسیر آمده است که دل‌های ایشان را از ملکوت به زودی محجوب می‌گردانم. (حیدری، ۱۳۹۷، ۲۳)

۳. سرفرازی فروتنان

در خصوص سرفرازی فروتنان، داستان باجگیر فروتن و فریسی متکبر در انجیل لوقا قابل توجه است:

«این باجگیر فروتن بود که خدا را خشنود ساخت نه فریسی متکبر. این مثل را آورد برای بعضی که بر خود اعتماد می‌داشتند که عادل بودند و دیگران را حقیر می‌شمردند. که دو نفر یکی فریسی و دیگری باجگیر به هیکل رفتند تا عبادت کنند. آن فریسی ایستاده بدینطور با خود دعا کرد خدایا تو را شکر می‌کنم که مثل سایر مردم حریص و ظالم و زناکار نیستم و نه مثل

این باجگیر، هر هفته دو مرتبه روزه می‌دارم و از آنچه پیدا می‌کنم ده یک می‌دهم، اما ان باجگیر دور ایستاده نخواست چشمان خود را به سوی آسمان بلند کند بلکه به سینه خود زده گفت خدایا بر من گناهکار ترحم فرما، به شما می‌گویم که این شخص عادل کرده به خانه خود رفت به خلاف آن دیگر زیرا هر که خود را برافرازد پست گردد و هر کس خویشتن را فروتن سازد سرافرازی یابد.» (لوقا ۱۸ : ۹-۱۴)

۴. آرامش و احیای دل

در فهرست ثمرات روح فروتنی و ایمان هم ردیف هم قرار گرفته‌اند. این دو نگرش واقعا به هم متصل شده‌اند و هر دو آغازی برای شناخت خدا و توکل محض به کلام و فیض او هستند. ثمره محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است (غلاطیان ۵: ۲۲)

بگذارید حلم شما بر همگان آشکار باشد... برای هیچ چیز نگران مباشید... بدین گونه آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است دلها و ذهن‌هایتان را در مسیح عیسی محفوظ نگه خواهد داشت. (فلیپیان ۴: ۵-۷).

خدا فرموده است: من در مکان عالی و مقدس ساکنم و نیز با کسی که روح افسرده و متواضع دارد. تا روح متواضعان را احیاء نمایم و دل افسردگان را زنده سازم (اشعیاء ۵۷: ۱۵)

رویکرد مغرورانه در عهد جدید

به رغم تاکید محوری و بنیادین عهد جدید بر فروتنی ایمانداران در برابر همدینان، باور مسیحیان به نجات و انحصار برگزیدگی ایشان سبب بروز رفتارهای خشونت آمیز و عدم تساهل‌گرایی در برخورد با غیر هم‌کشیان و دیگران شد. در تایید انحصار‌گرایی به سخنانی از حضرت عیسی استناد می‌شود که در انجیل یوحنا به ایشان منتسب شده است: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز بوسیله من نمی‌آید.» (یوحنا ۱۴: ۶)

مسیحیت که خود قربانی عدم تساهل از سوی امپراتوری روم بود، پس از به قدرت رسیدن به ویژه به هنگامی که کنستانتین مسیحیت را دینی دولتی ساخت در برابر عقاید مخالفان به عدم تساهل روی آورد. آگوستین که از موافقان ممنوعیت فعالیت بدعت‌گذاران و گمراهان بود، سرکوب کردن مخالفان را با تکیه بر کتاب مقدس توجیه کرد. این عده در موجه دانستن عدم روادمداری در برابر دیگران به آموزه‌هایی از انجیل (لوقا ۱۴: ۲۳) استناد کرده‌اند: «پس آقا به غلام گفت: به راهها و مرزها بیرون رفته، مردم را به الحاح بیاور تا خانه من پر شود. ۲۴، زیرا به شما می‌گویم هیچ یک از آنانی که دعوت شده بودند، شام مرا نخواهند چشید.»^۱

۱. ترجمه مذکور از ترجمه قدیم کتاب مقدس (انتشارات ایلام) نقل شد. در برخی ترجمه‌های فارسی به جای واژه

روحیه خشونت گری که الزاما از عوامل غیر دینی هم می تواند برخاسته باشد، موجب گردید در زمان قدرت بلامنازعه کلیسا در، اربابان کلیسا نه تنها با غیر مسیحیان با خشونت تمام رفتار کنند، بلکه روش تواضع را نسبت به دگر اندیشان همدین نیز کنار نهاده و بساط تفتیش عقاید را در پیش گیرند. (برای مطالعه نمونه‌ها نگ: کریمی‌نیا، ۱۳۸۵)

ویل دورانت آمار قربانیان محکمه‌های تفتیش عقاید را از سال ۱۴۸۰ تا ۱۴۸۸ یعنی در مدت ۸ سال بالغ بر ۸۸۰۰ تن سوخته و ۹۶۴۹۴ تن محکوم به مجازات‌های سنگین می‌داند. شمار محکومان را از سال ۱۴۸۰ تا ۱۸۰۸ بالغ بر ۳۱۹۱۲ تن سوخته و ۲۹۱۴۵۰ تن محکوم به مجازات‌های سنگین تخمین زده‌اند. (تاریخ تمدن، ج ۱۸ ص ۳۴۹ و ۳۵۱ به نقل از مطهری، ص ۶۸)

بر اساس تفکر سنتی مسیحیت، نجات صرفا به وسیله اعتقاد به ربوبیت حضرت عیسی مسیح میسر است و به وسیله همین ایمان است که انسان در قربانی باز خریدن پسر خدا سهیم می‌شود. اعتقاد درست شرط لازم نجات است. (لگنهاوزن، ۹۷، ۹۳)

«گمان مبرید آمده ام تا صلح بیاورم بلکه شمشیر را. زیرا که آمده ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهر جدا سازم. و دشمنان شخص اهل خانه او خواهند بود.» (متی ۱۰: ۳۴)

بی تردید سه عبارت ذکر شده از انجیل، ممکن است از نگاه ظاهری باب انحصار گرایی و عدم روا مداری با غیر هم کیشان بدهد اما نباید از یاد برد تعابیر بسیاری در انجیل استعاری است که باید بدان توجه کرد. اگر این سه عبارت را در انجیل در کنار عبارات فراوانی در مورد مدارا و صلح دوستی از خاطر بگذرانیم که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم (و در مقاله نیز مکرر بدانها اشاره شد) خواهیم دید از عبارات انجیل این الحاح و برگزیدگی و انحصارطلبی به صورت مستقیم برداشت نمی‌شود:

۱. خوشا به حال صلح کنندگان زیرا ایشان پسران خدا خواهند شد. متی (۵: ۹)
۲. هر که شما را لعن کند، برای او برکت طلبید و برای هر که با شما کینه دارد، دعای خیر کنید. و هر که بر رخسار تو زند دیگری را نیز به سوی او بگردان و کسی که ردای تو را

الحاح، الحال جایگزین شده است که به معنای فوری است و تغییر بسیار معنایی ایجاد می‌کند. در ترجمه مزده برای عصر جدید واژه «اصرار» آمده است. برای بررسی بیشتر به ترجمه معتبر کلاسیک انگلیسی کتاب مقدس (ترجمه King James) مراجعه شد واژه compel برابر نهاده شده بود که بیش از الحاح، به الزام و اجبار نزدیک است:

"Go out into the highways and hedges, and compel them to come in, that my house may be filled."

بگیرد، قبا را نیز از او مضایقه مکن.....چنانکه می خواهید مردم با شما عمل کنند شما نیز به همانطور با ایشان سلوک نمایید. (لوقا ۶: ۲۷ - متی ۵: ۳۸ تا ۴۰)

۳. شنیده‌اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن اما من به شما می‌گویم به دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت طلبید و آنانی که از شما نفرت کنند را احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید. (متی ۵: ۴۳ - ۴۴)

جایگاه فروتنی در حکمت نامه راهبان

پدران صحرا نام گروهی از راهبان مسیحی بود که از حدود سده سوم میلادی در صحرای مصر زندگی می‌کردند. گروه اولیه این راهبان، فراریانی بودند که از آشوب و مزاحمت‌های بحران امپراتوری روم در سده سوم، می‌گریختند. بنابر روایتی چهره‌های معروف آنان ۱۲۷ پدر راهبه و ۳ مادر راهبه بوده‌اند که مجموعاً قریب به ۱۲۰۲ سخن‌نغز به آنان منسوب است (بادامی، ۱۳۹۰، ص ۸). این سخنان برآیند آموزه‌های عرفان عملی برگرفته از عهد جدید بوده که بر عارفان بعد تأثیر بی‌بدیل نهاده است.

در مراسمنامه آن راهبان در باب تواضع آمده است:

پوئمن گفت: «موسا از زکریای راهب پرسید که چگونه باید رفتار کند.» در همان حال زکریا خود را پای او انداخت و گفت: «پدر چرا از من سوال میکنی؟» راهب گفا: «پسرم زکریا در خواب دیدم که روح القدس به سوی تو آمده بود از این رو نتوانستم در این امر خودداری کنم.» پس زکریا ردای خود را از سر برداشت و آن را بر زمین انداخت و با پای بر آن کوفت و گفت: تا زمانی که کسی چنین خود را پایمال نکند نمی‌تواند راهب باشد.» (بند ۱۷)

همچنین در گفت و گویی میان پوئمن و نسترتریوس در خصوص علت برقراری صلح و آرامش در صومعه می‌خوانیم:

ابتدا چون وارد جماعت شدم و به خود گفتم تو باید چون الاغی باشی، الاغ را چون ضربه می‌زنند چیزی نمی‌گوید. تو این گونه باش همان گونه که در کتاب مقدس آورده‌اند: «من وحشی بودم و معرفت نداشتم و مثل بهایم نزد تو گردیدم.» (مز ۷۳: ۲۲-۲۳)

۳۲ پوئمن گفت: «ما باید پیوسته فروتنی و ترس از خداوند را فراگیریم، همان گونه که هوا را از بینی خود دم و باز دم می‌کنیم.»

۳۷ «فروتنی زمینی است که سرور ما دستور داد تا قربانی به او اعطا کنند.»

۴۸. سیکلتیکا می‌گفت: کشتی نمی‌تواند بدون میخ بنا شود و کسی بدون فروتنی نمی‌تواند به نجات دست یابد.

در میان مجموعه‌ای از متون سغدی مسیحی متنی کوتاه در توصیف فروتنی از خطابه‌های

ابا اشعیا (متولد مصر، قرن چهارم میلادی) به چشم می خورد، وی از نویسندگان برجسته متون زاهدانه به شمار می آمد که کتابش اسکیتیکن (Asketikon) در شکل گیری عرفان و معنویت مسیحیت شرقی تاثیر بسزایی گذاشت. در متن فوق ابا اشعیا در تعرف فروتنی می گوید: فروتنی این است که انسان در باره نفس خویش چنین بیندیشد که گناهکار است. (صالحی نیا، ۱۳۸۴، ۶۲) و در صفحه ای دیگر در خصوص فروتنی در باطن می خوانیم:

«آن باج گیر چه میگفت. او حتی چشمانش را به سوی آسمان برنگرداند بلکه بر سینه اش کوفت، در حالی که چنین می گفت: ای خداوند من گناهکار را عفو کن و این (یکی) بیشتر از دیگری عذرش پذیرفته شد. پس خوب است که یک نفر (۵) در باطن فروتن باشد یعنی که به راستی فروتن باشد و سپس ... در ظاهر آراسته شویم، هنگامی که فروتنی نشان دهیم در پوشش، در کلام و در رفتار (مان)، زیرا رفتاری هست که در آن غرور وجود دارد و ما چشمان خویش را به سمت پایین فرو نگه میداریم زیرا نگرشی وجود دارد که از غرور آکنده است. (فروتنی چون) کفشی سبک (است) برای (۱۰) طی راهی که عاری از شکوه تو خالی، باشد زیرا راهی (نیز) وجود دارد که از شکوه تو خالی آکنده است. این چیزها را از کتب (مقدس) برگرفته ایم» ۶۱ «راهی گفت در هر محکمه ای دیگران را محاکمه نکن خود را ملامت کن و بگو چون گناهکار بودم چنین اتفاقی برایم حادث شد.»

۷۸ «زاهدی گفت: چون کسی از تو بخشش طلب نمود و در برابر تو فروتنی نشان داد کلیه دیوهای که در وجودش قرار گرفته اند را یک باره می سوزاند.»

۶۰ «راهی را پرسیدند فروتنی چیست؟ پاسخ داد: آن است که برادر خویش را پیش از آن که از تو طلب بخشش نماید او را عفو کنی.»

۲۶ «بزرگ ترین عمل آن است که خود را پست تر از همه مخلوقات به حساب آوری با زحمت و رنج می توانی طریق فروتنی را پیش بگیری.»

۶۲. راهی گفت: هرگز خود را در جایگاه خود قرار نمی دهم و پیوسته چون در مقامی پایین تر قرار گیرم رنجیده نمی شوم. پیوسته خداوند را دعا می گویم تا مرا از وجود هدایت نشده و سرکش خویش رها سازد.

نتیجه گیری

بررسی مفاهیم مربوط به تواضع و فروتنی در عهدجدید نشان می‌دهد تواضع در زنجیره علی سامانه اخلاق مسیحی صرفاً دستور نیست، بلکه برآیند پایدار مجموعه‌ای از آموزه‌ها، آیین‌ها و آدابی است که به صورت ارگانیزم مومن مسیحی را خاکسار می‌کند. رابطه مبانی شناختی تواضع با مبانی اخلاقی و رفتاری در این زنجیره اخلاقی دوسویه است، تلقین و تمرین خاکساری هم به اصلاح بینش و نگرش می‌انجامد و هم موجب یکسان‌دلی و رضا که برترین مقام معنوی در ادیان است می‌گردد. فرد مسیحی ملزم به تشبیه به عیسی در تواضع است و فروتنی در عهدجدید ملازم ایمان و نیکوکاری است. شخص فروتن این حقیقت را لمس می‌کند که همه چیز را خدا به او داده، شخص حلیم در عهد جدید پنج نشانه دارد، اول شخص حلیم در پی حق و حقوق خود نیست. دوم هنگامی که شخص دیگری به او بی حرمتی کند، مکدر و آزرده خاطر نمی‌گردد. خادم بی منفعت به خودی خود چیزی نیست خدا این شخص فروتن را جلال خواهد داد. حضرت عیسی با شستن پای حواریون خویش الگوی و نمونه‌ی عملی تواضع و خدمت رسانی را به ایشان آموخت. فروتنی در مسیحیت از ثمرات روح و حکمت به شمار می‌رود بر اساس آموزه‌های عهدجدید انسانها به خود خودی چیزی نیستند و همه چیز را خدا به آنها داده است و در نهایت حلیمان را وارثان زمین می‌داند. انسانها که گناهکار آفریده شده‌اند برای اصلاح راه تواضع پیش روی ایشان گشوده است تا جلال و ملکوت خداوند را درک کنند و در کلام خدا متجسد شوند. در بعد مبانی شناختی مسیحی، لازمه ایمان به خدا فروتنی است و تکبر جزو هفت گناهان کبیره محسوب می‌شود. انسانها همچون پیکری واحد به شمار می‌روند، همانند مسیح که برای نجات قوم خویش قربانی شد. از بعد احساسی و رفتاری در عهد جدید انسانها در محبت خداوند زیست می‌کنند و این حلیمانند که نهایت زمین را به ارث می‌برند. مسیح با عشای ربانی امکان تشبیه پیروان به او را ممکن ساخت و در نهایت تواضع از تعالی خود کاست. مسیحیان با انجام عشای ربانی احساس اتحاد با مسیح دارند. عدم فخر فروشی، شستن پای حواریون، عدم انتقام جویی، محبت و احسان به دیگران همانند غلامی بی منت، از جمله مصداق‌های رفتاری تواضع در عهد جدید است. با وجود این پیروان مسیحیت مانند پیروان دیگر ادیان، به رغم تواضع نسبت به همکیشان، به دگر اندیشان از موضع برتر می‌نگرند.

فهرست منابع

- قرآن کریم. (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات و معارف اسلامی، چاپ اول.
۱. کتاب مقدس (ترجمه قدیم). (۲۰۰۲)، ترجمه فارسی، انگلستان: انتشارات ایلام.
 ۲. کتاب مقدس، ترجمه مؤرده برای عصر جدید، (۲۰۰۷)، انجمن های متحد کتاب مقدس، Societies United Bible
 ۳. انجیل عیسی مسیح، (۲۰۱۳)، ترجمه هزاره نو، انگلستان: انتشارات ایلام.
 ۴. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۷۸)، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، فرزانه.
 ۵. بادامی، علی. مقایسه مقامات عرفانی از دیدگاه پدران صحرا و عارفان مسلمان در چهار قرن اولیه (میلادی و هجری) مطالعات عرفانی، (۱۳۹۰)، دوره ۷، شماره ۱۴، ص ۵-۳۰.
 ۶. بندیکیت وارد، (بی تا)، پدران صحرا، پند و امثال نخستین راهبان مسیحی، بی جا.
 ۷. حاجی اکبری، فاطمه. حسین حیدری. احسان مقدم، (۱۴۰۲)، سیمای ایجابی مسیحیان در قرآن، دو فصلنامه *Journal of Contemporary Islamic Studies*.
 ۸. حافظ، شمس الدین محمد، (۱۳۹۰)، دیوان حافظ، نسخه قزوینی، تهران: اساطیر.
 ۹. حیدری، حسین، عباس شاه علی، (۱۳۹۷)، مبانی قرآنی، روایی و حکمی زنجیره علی گناهان کبیره در حدیقه الحقیقه سنایی، *مطالعات عرفانی*، شماره ۲۷، ۵-۲۶.
 ۱۰. دورانت، ویل، (۱۳۵۲)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام ... [و دیگران]، تهران: اقبال: فرانکلین.
 ۱۱. دوفور، گزاویه لئون، بی تا، فرهنگ الهیات کتاب مقدس، بی جا.
 ۱۲. سعدی، مصلح بن عبدالله، (۱۳۷۶)، کلیات سعدی، تهران: اسلامیه.
 ۱۳. شانظری، جعفر، زارعیان، فائزه. (۱۳۹۰). نگاهی بر مبانی و آموزه‌های اخلاق مسیحیت. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی، ۷(۲۶)، ۱۵۳-۱۸۰.
 ۱۴. صالحی نیا، نگین، (۱۳۸۴)، بررسی یک متن سعیدی درباره فروتنی، ویژه نامه نامه فرهنگستان (دستور)، شماره ۱. ۵۹-۶۴.
 ۱۵. کریمی نیا، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، مسیحیت: جنگ یا صلح (بررسی شیوه برخورد مسیحیت با پیروان ادیان دیگر)، معرفت، شماره ۱۰۶. ۱۰۸ تا ۱۱۷.
 ۱۶. لگنهاوزن، محمد، (۱۳۹۷)، اسلام و کثرت گرایی دینی، ترجمه نرجس جواندل، قم: انتشارات کتاب طه.

۱۷. محمدزاده، نادر، (۱۳۸۸)، شهود و خداگونگی در عرفان مسیحیت شرقی، پژوهشنامه ادیان، شماره ۵.
۱۸. مطهری، مرتضی. (بی‌تا)، نبرد حق و باطل، تهران: صدرا.
۱۹. -----، ۱۳۹۶، علل گرایش به مادیگری، تهران، صدرا.
۲۰. مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد بلخی رومی، (۱۳۷۵)، مثنوی معنوی، با مقدمه قوام‌الدین خرمشاهی، تهران: ناهید.
۲۱. مینایی، فاطمه، و فاطمه رحیمی، (۱۳۸۳)، تواضع، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۸، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
۲۲. ناس، جان بایر، (۱۳۸۱ش)، تاریخ جامع ادیان، مترجم: علی اصغر حکمت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۲۳. هاکس، جیمز، (۱۳۷۷) قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر.
۲۴. هوشنگی، لیلا، غلامیان، ریحانه، (۱۳۹۲)، شمایل‌ها و تشبیه به خدا: تفسیری عرفانی از شعائر در کلیسای ارتدوکس، پژوهشنامه ادیان، شماره ۱۴
۲۵. هیل توماس، (بی‌تا)، تفسیر کاربردی عهد قدیم، ترجمه داوود کاظمیان، S.A: Colorado Spring
26. THE HOLY BIBLE ONTAINING THE OLD AND NEW TESTAMENTS COMMONLY KNOWN AS THE AUTHORISED OR KING JAMES VERSION UNIVERSITY PLACE, WASHINGTON
28. <https://ethicshouse.ir/%D8%B6%D8%B1%D9%88%D8%B1%D8%AA-%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82%DB%8C-%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D9%86-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%D8%AA-%D8%B1%D9%88%D8%A7%D9%86/>